

پرسش و پاسخ قضایی

با توجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تپش درخصوص موضوعات حقوقی از جمله بازپس گیری جهیزیه، مزاحمت از طریق واتس اپ و



کاهش سن **مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی** به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

بازپس گیری جهیزیه

سلام من و همسرم دو سال قبل ازدواج کردیم و حالا به صورت توافقی قصد جدایی داریم. می خواهیم بدانم روند بازپس گیری جهیزیه به چه صورت است. البته اشاره کنم که قبل از عروسی فهرستی از جهیزیه تهیه کرده بودیم.

زمانی که بر سر طلاق به توافق رسیدند در این صورت باید نحوه استرداد و زمان و مکان آن را نیز مشخص کنند، البته این کار بعد از جاری شدن صیغه طلاق به انجام می رسد. زوجه زمان و مکان دریافت جهیزیه را مشخص می کند. در صورتی که زوجه هنوز در مورد استرداد جهیزیه توافق نکرده باشند می تواند براساس فهرست ابتدایی، اموال جهیزیه را دریافت کند. بر اساس فهرستی که تهیه کرده اید می توانید جهیزیه را از خانه خارج کنید.

مزاحمت از طریق واتس اپ

یک نفر از طریق واتس اپ مزاحم من می شود، می توانم به اتهام مزاحمت از او شکایت کنم؟ این مزاحمت چه مجازاتی دارد؟
براساس ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی، هرفردی به کمک تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر برای اشخاص سبب سلب آسایش شود، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، حبس از یک تا شش ماه در انتظار اوست. باید اشاره کنم مزاحمت با شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک، وایپر، تلگرام مزاحمت محسوب می شود و مجازات ذکر شده برای افراد در نظر گرفته شده است.

کاهش سن در شناسنامه

چطور می توان سن را کاهش داد؟

اگر فردی مدعی باشد که سنش در شناسنامه، بزرگ تر از سن واقعی اش درج شده، دو حالت پیش روی اوست. اگر متقاضی ادعا دارد اختلاف سن واقعی او با سن مندرج در شناسنامه اش بیشتر از پنج سال است، باید به کمیسیون تشخیص سن مستقر در فرمانداری شهرستان محل صدور شناسنامه اش رجوع کند، اما اگر متقاضی مدعی شود سن واقعی او با سن درج شده در شناسنامه اش کمتر از پنج سال اختلاف دارد، باید به دادگستری رجوع و طرح دادخواست کند.



طلاق به خاطر بازنشستگی

پروانه و محمد بعد از ۳۵ سال زندگی مشترک کارشان به دادگاه خانواده کشیده شد. محمد هرگز تصور نمی کرد بعد از بازنشستگی زندگی مشترکش از هم بپاشد. او از صبح تا شب به پارک می رفت و کنار پیرمرد های دیگر می نشست و به خاطر غر زدن های همسرش کارش به طلاق کشیده شد.

سیمافراهانی

تپش

راه می اندازد. دیگر از رفتارهایش خسته شده ام. تحمل این کارهایش را ندارم. شوهرم از وقتی بازنشسته شده به زندگی مان توجه نمی کند و رفتارش به شدت با من بد شده برای همین تصمیم گرفتم به زندگی مشترکمان برای همیشه پایان دهم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من چند سال کار کرده ام و اواخر کلی بیماری گرفتم و از بس در محل کار استرس داشتم، همیشه مریض بودم. برای بازنشستگی ام لحظه شماری می کردم. می خواستم در این سن و سال کمی استراحت کنم. تا این که بالاخره بازنشسته شدم، اما همسرم از همان زمان غر زدن هایش را شروع کرد و می گفت که باید به کار ادامه دهم و خانه نشین نشوم. در صورتی که من دیگر توان کار کردن ندارم. می خواستم استراحت کنم و کمی به خودم برسیم. این خواسته زیادی نیست. برای این که در خانه نمانم و مزاحم همسرم نباشم به پارک می رفتم. تا این که آنجا دوستانی پیدا کردم و باهم صمیمی شدیم و بعد از آن بیشتر به پارک می رفتم، اما پروانه آن قدر غم می زند که زندگی را برایم تبدیل به جهنم کرده است و دیگر تحمل این همه دعوا و جنگ و جدل را ندارم. من در این سن و سال نمی توانم هر روز با همسرم درگیر باشم و حرص بخورم.

در پایان قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

پروانه وقتی روبه روی قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی شان گفت: ۳۵ سال است با محمد زندگی می کنم. محمد در یک شرکت کار می کرد و کارمند بود. تا این که هفت ماه پیش بازنشسته شد و دیگر سرکار نرفت. هرچه به او گفتم کارت را ادامه بده، گفت که دیگر توان کار کردن ندارد. با این که می توانست در محل کارش بماند و به کار خود ادامه دهد، اما قبول نکرد. از وقتی بازنشسته شد، از صبح تا شب بیرون از خانه می رفت و در پارک با پیرمرد های دیگر وقت گذراند. به او گفتم اگر می خواستی از صبح تا شب بیرون بروی و برای ما وقت نداشته باشی، خوب به کارت ادامه می دادی. چرا برای کار کردن بهانه خستگی و توان نداشتن آوردی در صورتی که برای پارک رفتن، خسته نمی شوی. محمد اگر کار می کرد درآمد بهتری داشت و می توانستیم زندگی راحت تری داشته باشیم، اما از وقتی خودش را بازنشسته کرده و دیگر سرکار نمی رود، حقوقش کفاف زندگی مان را نمی دهد. الان هفت ماه است زندگی ما همین شده: محمد صبح از خانه بیرون می رود و شب خسته برمی گردد. تمام وقتش را هم در پارک با دوستانش می گذراند و گاهی اوقات با هم به جاهای دیگر می روند.

این وضعیت برای من قابل تحمل نیست. این که شوهرم بیکار بگردد و وقتش را صرف دوستانش کند و هر روز به پارک برود، برایم عذاب آور است. هرچه به او می گویم سرکار برو و پول دریاور گوش نمی کند. تازه داد و فریاد هم به

درخواست طلاق در دوران پیری به اختلافات کهنه مربوط می شود

منصوره نیکوگفتار، روان شناس در این باره می گوید: معمولاً طلاق در هر سن و زمانی یک پدیده تلخ در خانواده و جامعه محسوب می شود. از بین رفتن یک زندگی که روزی با عشق و کلی امید و آرزو آغاز شده، برای هر کسی تجربه ای تلخ خواهد بود. حالا اگر سال های ازدواج و زندگی مشترک طولانی تر باشد، این جدایی و طلاق غم انگیز تر خواهد بود.

افرادی که در دوران پیری و میانسالی و با وجود داشتن فرزند و نوه خواستار طلاق و جدایی می شوند، در دوران گذشته زندگی مشترکشان از بسیاری از مشکلات و اختلافات چشم پوشی کرده بودند، اما با گذشت سال ها زندگی و افزایش سن، طاقت

و تحمل آنها کمتر شده و با به وجود آمدن هر مساله کوچکی بهانه گیری هایشان را شروع می کنند و به خود می گویند چرا باید به این زندگی مشترک ادامه دهیم.

آنها تصور می کنند حالا که فرزندان شان ازدواج کرده و سر و سامان گرفته اند، مجبور به تحمل خیلی از مشکلات نیستند و می توانند آزادانه تر عمل کنند.

این زوج های میانسالی که برای طلاق راهی دادگاه خانواده می شوند در واقع همان زوج هایی هستند که در گذشته به دلایل مختلف خود را ملزم به حفظ رابطه شان کرده بودند و حالا صبرشان لبریز شده و تصمیم به جدایی گرفته اند. از طرف دیگر متاسفانه قبح طلاق هم از بین رفته و مردم در مورد این پدیده اجتماعی با تسامح برخورد می کنند.